



## مدیریت در

## اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی

حضور فعال و مستمر در بازارهای جهانی و در نتیجه داشتن سهم کمتر از آن خواهد شد.

• خصوصی سازی هدف نیست بلکه به عنوان یک

ابزار جهت افزایش بهره وری مورد استفاده قرار می گیرد.

• به صرف انتقال دارایی های دولت به مردم اهداف سیاست های کلی برآورد نمی شود.

• خصوصی سازی چیزی جز آزادسازی اقتصاد از قید و بند سلطه تصمیم گیران دولتی نیست.

• خلاء نظارتی در اجرای اصل ۴۴.

• نگرانی از غفلت فرهنگی در اجرای اصل ۴۴.

• خریداران مزایده اول بدون تحلیل و به صورت دستوری اقدام به خرید مس کردند.

• خصوصی سازی فقط به معنی کاهش میزان مالکیت دولت نیست، بلکه به معنای تغییر مدیریت، نظام مالکیت و مناسبات اجتماعی است.

• نگرانی از محقق نشدن اهداف لایحه اصل ۴۴، عدالت اجتماعی، خصوصی سازی، جلب مشارکت خصوصی برای سرمایه گذاری

خبر واگذاری ۲۰ درصد از سهام شرکت ملی مس ایران در تاریخ ۸۶/۶/۲۱ به کنسرسیونی متشکل از گروه معادن، فلزات و فولاد، صندوق مس،

سبا تامین، صندوق بازنشستگی کشوری، گروه سایپا و بهمن و سایر شرکت های سرمایه گذاری برای صاحب نظران اقتصادی و فنی بسیار جالب و واقعا در نوع خود پدیده ای نوظهور بود، هم زمانی این واگذاری و سایر موارد با بررسی لایحه قانونی اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی ارائه شده توسط دولت جمهوری اسلامی ایران در مجلس شورای اسلامی باعث انعکاس اظهار نظر گسترده کارشناسان ذیربط در رسانه ها همگانی شد که عناوین برخی از مطالب به شرح زیر به اطلاع می رسد:

• خصوصی سازی بدون بخش خصوصی.

• عرضه سهام به صورت بلوکی آن هم به شرکت های عمومی که به نوعی وصل به دولت هستند خصوصی سازی نیست.

• خصوصی سازی یک انتخاب نیست بلکه یک الزام است.

• تاخیر در تحقق فرآیند خصوصی سازی در کشور موجب تاخیر

و واگذاری سهام دولتی به بخش خصوصی موثر در اقتصاد کشور در لایحه اجرایی اصل ۴۴ مشاهده نمی شود.

• دولت سهام مدیریتی خود را واگذار می کند.

• سهام داران بزرگ می توانند در تامین منابع مالی و در زمان های بحرانی نقش کلیدی داشته و در شرایط خاص جلوی ورشکستگی را بگیرد.

• ورود به سازمان تجارت جهانی (WTO) و موفقیت در آن فقط در سایه اعمال مدیریت صحیح و به روز آمد در قالب بخش خصوصی امکان پذیر است.

• اهداف سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی به روشنی در مقدمه ابلاغیه مقام معظم رهبری آمده است که می توان آن را به طور خلاصه تولید ثروت بیشتر و توزیع عادلانه آن دانست.

• واگذاری واحدهای تولیدی به اشخاص حقیقی و حقوقی آشنا با هر واحد باید مورد توجه قرار گیرد.

• غفلت لایحه اصل ۴۴ در زمینه نقش بانک ها.

• ۱۵۰۰ میلیارد تومان تسهیلات خرید سهام، رویا یا واقعیت؟

• پیرو اهدافی که سیاست های ابلاغیه اصل ۴۴ دنبال می کند، بنگاه های دولتی به منظور افزایش کارآرایی به بخش خصوصی واگذار شدند، اما هدف این است که با انتقال مالکیت مدیریت شرکت ها نیز به بخش خصوصی واگذار شود.

• برای ورود بخش خصوصی مدیریت نقدینگی ضروری است.

• فرآیند استانداردسازی در لایحه اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴.

• فروش سهام اصل ۴۴ و بی رغبتی بخش خصوصی.

• لایحه اصل ۴۴ به مجلس برمی گردد.

با کمی دقت در محتوای مطالب مطرح شده و لایحه در دست بررسی و تصویب، مشاهده می شود که به مدیریت که محور بنیادی و اصلی موفقیت در هر کاری است عنایت کافی نشده.

و نگاهی اجمالی به مراحل و روش های خصوصی سازی در حال اجراء صحت این مدعا را نشان خواهد داد:

۱- واگذاری سهام عدالت به دهک های پایین جامعه

۲- واگذاری سهام به خریداران عمده

۳- خرید سهام توسط بانک های دولتی و خصوصی

۴- واگذاری سهام با روش ۵۱ درصد به بخش خصوصی و حفظ ۴۹ درصد توسط دولت

۵- واگذاری سهام با حفظ مدیریت دولتی با اتخاذ روش سهام ممتاز یا سهام مدیریتی در دست دولت

۶- خرید سهام با استفاده از تسهیلات اعطائی توسط واحدهای سرمایه گذاری وابسته به دولت

یک بررسی ساده در مورد روش های اشاره شده بالا نشان خواهد داد که اجرای این روش ها منجر به ایجاد شرایطی خواهد شد که چنان مطلوب به نظر نمی رسد:

۱- در واگذاری سهام عدالت با روند کنونی عملاً سهامداران از گردونه تصمیم گیری و مدیریت خارج شده و در نتیجه مدیریت، هم چنان دولتی باقی می ماند.

۲- خریداران عمده سهام یا مستقیم دولتی یا این که به نوعی وصل به دولت می باشند که در این صورت نیز مدیریت همچنان دولتی باقی می ماند.

۳- با توجه به این که عمده بانک های کشور و واحدهای وابسته به آن ها در واقع دولتی می باشند، لذا می توان مدیریت در این گزینه را نیز مانند خریداران عمده در نظر گرفت، واگذاری سهام صدرا به سرمایه گذاری بانک ملی ایران نمونه بارز این روش می باشد.

۴- در اجرای روش ۵۱ و ۴۹ درصد کاملاً مشخص است که دولت که صاحب ۴۹ درصد سهام می باشد به صورت منسجم در مجامع عمومی واحدهای واگذار شده شرکت می کند و به دلیل نبود انسجام و عدم حضور همه سهامداران ۵۱ درصدی، در مجامع عمومی معمولاً اکثریت اعضاء هیئت مدیره از دولتیان انتخاب شده و باز هم مدیریت دولتی پابرجا می ماند. حتی در شرایط بعید، در صورت حضور همه سهامداران ۵۱ درصدی، مالک دولتی ۴۹ درصد سعی می کند و می تواند حداقل دو درصد از صاحبان سهام ۵۱ درصد را با خود هماهنگ کند تا تغییری در مدیریت دولتی ایجاد نشود.

۵- در روش حفظ مدیریت دولتی از طریق تعیین سهام مدیریتی یا سهام ممتاز، نقش مدیریت از قبل تعریف شده و مدیریت دولتی همچنان ادامه خواهد داشت.

۶- در روش خرید سهام با استفاده از تسهیلات اعطایی به واحدهای سرمایه گذاری هم سرمایه دولتی است و هم واحد سرمایه گذاری.

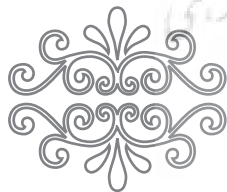
ملاحظه می شود که در عمده شرایط مذکور پس از خصوصی سازی، مدیریت نه دولتی و نه خصوصی بلکه وابسته به دولت خواهد بود و در واقع با این خصوصی سازی هدف اصلی اصل ۴۴ قانون اساسی محقق نخواهد شد و در آینده نه چندان دور (۵ تا ۱۰ سال) اندوخته های همین مدیریت دولتی نیز از بین رفته و فرار سرمایه و مهاجرت کارآفرین از کشور تسریع و به تبع آن بخشی از سرمایه و نقدینگی مردم که در داخل کشور باقی می ماند، به بخش های مسکن یا واسطه ای سرازیر شده و مشکلات

به دست افرادی که شناخت کافی از آن‌ها نیست و امتحان خود را در عرصه صنعت و اقتصاد کشور پس نداده اند، ممکن است در تحقق اهداف اصل ۴۴ مشکل ایجاد کند.

اطمینان دارد که به یاری خداوند متعال و همیاری مدیران توانمند ایرانی، خصوصی سازی به گونه ای انجام شود که اهداف اصل ۴۴ قانون اساسی محقق شده و هم زمان با استحاله اقتصاد دولتی در بخش خصوصی شاهد شکوفایی اقتصادی، ایجاد امنیت برای: سرمایه، سرمایه گذار و کارآفرین بوده و روند حرکت در جهت توسعه جامعه، رشد اقتصادی و رفع بحران اشتغال تسریع شود.

در خاتمه تاکید می کند که پیشنهادهای فوق بر مبنای تعریف زیر از خصوصی سازی ارائه شده است.

**خصوصی سازی یعنی تولید بیشتر ثروت و توزیع عادلانه آن که از مفاد سیاست های اعلام شده مقام معظم رهبری و لایحه تقدیمی دولت به مجلس شورای اسلامی استنباط شده و موفقیت در اجرای آن مستلزم واگذاری اختیار تام و تصمیم گیری در تمام مراحل به صاحب سرمایه می باشد.**



خاص خود را در جامعه ایجاد می کند. برای یافتن راه کار مناسب جهت جلوگیری از ایجاد شرایط نامطلوب مطرح شده بالا، مطالب مشروحه زیر را به صورت پیشنهاد اعلام می دارد تا توسط صاحب نظران مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و با اصلاح و تکمیل آن، روش جامع و اجرایی تدوین و ارائه شود:

۱- در قدم اول لازم است کمیسیون انتقال مدیریت به خریداران سهام جدید و یا صاحبان سرمایه ایجاد و پس از تدوین آیین نامه کاملاً شفاف، وضعیت تمام واحدهای قابل واگذاری به بخش خصوصی را یک به یک بررسی کرده و برای انتقال مدیریت به هر یک از آن‌ها، برنامه و روش مشخص تدوین و جدول زمانی قطعی تعریف نماید تا این برنامه و جدول زمانی قبل از واگذاری در اختیار خریداران قرار گیرد که متعاقب آگاهی کامل از نحوه واگذاری و انتقال مدیریت نسبت به خرید سهام اقدام کنند.

۲- برنامه به گونه ای تنظیم شود که در مراحل اولیه افرادی به انتخاب خریداران سهام به عنوان عضو هیئت مدیره، مشاور، معاون یا قائم مقام مدیرعامل و هم چنین در مدیریت های رده دوم و سوم مشغول کار شوند تا به تدریج در جریان کارها قرار گرفته و متناسب با شرایط خاص آن واحد در مدیریت دخالت موثر داشته باشند.

۳- جدول زمانی انتقال مدیریت باید قطعی، کاملاً تعریف شده و غیرقابل تمديد باشد.

۴- تحقیق در مورد خصوصی سازی در کشورهای دیگر از جمله روسیه و بررسی گردد. بدیهی است موفقیت ها و اشتباهات آن‌ها به عنوان تجربه می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۵- به نقطه نظرات صاحب نظران در این مورد توجه کافی شود. از آن جمله مطالب کتاب «دولت دولت زدا، مردم دولت گرا» نوشته آقای دکتر هادی نژاد حسینیان می تواند بسیار موثر و قابل استفاده قرار گیرد.

۶- موضوع در یک کنفرانس ملی با حضور متخصصان و کارشناسان ذیربط از طیف های مدیریتی و اقتصادی مختلف و با دیدگاه های متفاوت بررسی و مقالات و سخنرانی های ارائه شده در اختیار عموم مردم و مراجع تصمیم گیری قرار داده شود.

۷- آگاهی از برنامه و شناسائی قبلی خریداران عمده سهام و عنایت به این نکته که سپردن اختیار چنین سرمایه عظیمی، آن هم در کشوری که سالیان متوالی تجربه اقتصاد دولتی داشته و استفاده از رانت در آن ریشه عمیق و گسترده دارد